

■ در حالی که سیاست دولت «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا موجب نسبت دادن اصطلاح جنگ سرد به روابط دیرینه و همراه با رقابت پکن و واشنگتن شده است، جانبداری کشورهای اروپایی به عنوان بازیگران کلیدی این عرصه از هر یک از دو قدرت شرق و غرب، اهمیتی تعیین کننده و سرنوشت‌ساز خواهد داشت.

اگرچه اتفاق نظر دقیقی از اینکه آمریکا و چین در حال حاضر در یک «جنگ سرد جدید» به سر می‌برند و یا در آستانه وقوع آن قرار گرفته اند، وجود ندارد اما نکته حائز اهمیت اینکه کاربرد استعاره «جنگ سرد» در تشریح تقابل میان واشنگتن و پکن نه به وسیله افراد بیگانه با تاریخ بلکه از سوی شخصیت‌های شناخته شده ای همچون «هنری کیسینجر» وزیر امور خارجه اسبق آمریکا زمانی که سال گذشته با عبارت «ما در کوهپایه‌های جنگ سرد قرار داریم» مطرح شد و یا انتقاد «وانگ یی» وزیر امور خارجه چین از سیاست‌های آمریکا به عنوان عامل اصلی سوق دادن روابط دو کشور به سوی جنگ سرد جدید، نشانگر تشدید بی سابقه در روابط رو به وخامت این دو قدرت جهانی است.

گذشته از عواملی که مقدمه آغاز هر نوع نبرد و مجادله در سطح جهانی می شود، یارکنشی طرف‌های درگیر و تقویت اتحاد با کشورهای هم پیمان، به طور قطع نقش کلیدی در تعیین سرنوشت این نبرد خواهد داشت. به این ترتیب از آنجایی که چین در حال رشد با پتانسیل رقابتی واقعی برابر یا فراتر از قدرت اقتصادی و سیاسی آمریکا، به یک چالش ژئوپولیتیک بی سابقه برای ایالات متحده تبدیل شده است، کنش و واکنش‌های این دو غول سیاسی و اقتصادی، جایگاه مهم اتحادیه اروپا و کشورهای قاره سبز را به گونه ای آشکار ساخته، که تمایل اروپا به سمت هر کفه این ترازو موجب موفقیت احتمالی آن خواهد شد.

## روابط آمریکا و اروپا

شعار سیاست خارجی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا موسوم به «اول آمریکا» و اولویت بخشیدن به منافع ملی ایالات متحده در حالی تعامل و رقابت با چین را به نزاع و رویارویی جدی تبدیل کرده است که همزمان موجب تضعیف تعامل و ارتباط آمریکا با اروپا به عنوان هم پیمانان سنتی آن شده است؛ بر این اساس این شبهه ایجاد می‌شود که دولت ترامپ در رقابت با چین به عنوان بالاترین اولویت امنیت ملی ایالات متحده ضعیف و تنها باشد.

اقدامات یکجانبه ترامپ در سال‌های اخیر در موضوعاتی همچون خروج از توافق پاریس و سازمان جهانی بهداشت، حمایت از جریان‌های جدایی طلب و افراطی در اروپا و حمایت بیش از حد از «بوریس جانسون» نخست وزیر انگلیس در جریان برگزیت اگر چه نمونه‌هایی از عملکرد ترامپ در قبال قاره سبز بوده که بارها با انتقاد دولت‌ها و شهروندان اروپایی روبرو شده اما فراتر از آن با وارد کردن لطمه جدی به جایگاه، نفوذ و قدرت آمریکا در جهان، سلب اعتماد شرکای اروپایی و رانده شدن احتمالی آن‌ها به سوی چین را موجب شده است.

ترامپ با نادیده گرفتن هماهنگی‌های لازم در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک میان ایالات متحده و اروپا در ناتو، مورد انتقاد هم‌پیمانان اروپایی خود قرار گرفته تا جایی که در نوامبر ۲۰۱۹ «امانوئل مکران» رئیس‌جمهوری فرانسه، ناهماهنگی‌های موجود در بطن سازمان پیمان آتلانتیک شمالی را مرگ مغزی ناتو دانسته بود. همچنین ترامپ در ژوئن ۲۰۲۰ با تصمیم کاهش بخشی از نظامیان کشورش در خاک آلمان که برای مدت‌ها محور استراتژی دفاعی آمریکا در اروپا به شمار می‌رفت، موجب ناراضی «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان شده است.

«پیتر بی‌یر» هماهنگ کننده روابط ترانس آتلانتیک در دولت آلمان (روابط با آمریکا و کانادا) روز دوشنبه (۷ مهر) با تاکید بر اینکه منافع مشترک میان اروپا و آمریکا بیش از اختلافات است، گفت: اروپا و آمریکا باید به همراه هم با جنگ سرد تازه‌ای با چین مواجه شوند، صرف‌نظر از اینکه چه کسی در ماه نوامبر برنده کاخ سفید باشد.

این مقام آلمانی خاطر نشان کرد: جنگ سرد تازه بین آمریکا و چین همین حالا هم آغاز شده و به این قرن شکل خواهد داد.

اگر چه رویکرد شکست خورده ترامپ در مقابل چین و خطاهای کاخ سفید در سیاست خارجی، لزوم اتخاذ رویکردهای جدیدی را آشکار ساخته که هم در خدمت منافع ملی آمریکا باشد و هم اینکه از پیشروی دو کشور به سمت جنگ سرد جلوگیری کند، اما حتی در صورت پیروزی «جو بایدن» نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری پیش رو، صرفاً تاکتیک‌های این منازعه تغییر کرده و به سمت سیاست خارجی دوران «باراک اوباما» رئیس‌جمهوری اسبق و به کارگیری تاکتیک‌های جنگ نرم و دیپلماسی عمومی قوی تر باز خواهد گشت.

## روابط چین و اروپا

چین به عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و بازیگری تاثیرگذار در عرصه منطقه‌ای و جهانی، همواره در کانون توجه اتحادیه اروپا قرار داشته و تلاش این اتحادیه بر گسترش روابط در همه زمینه‌ها به ویژه در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی بوده است. در زمینه روابط اقتصادی، آنچه در سال‌های اخیر بیش از همه مورد توجه قرار گرفته، دو

مسئله تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. در واقع می‌توان گفت اتحادیه اروپا اهمیت زیادی را برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی با چین قائل است.

اگرچه چین و کشورهای اروپایی درباره تحولات اقلیمی، تجارت، سرمایه‌گذاری و حقوق بشر با یکدیگر همکاری نزدیکی دارند اما همزمان اختلافاتی هم دارند. از جمله اینکه اروپایی‌ها مانند آمریکا خواستار حراست چین از حق مالکیت معنوی هستند و می‌خواهند با شرکت‌های اروپایی در بازار چین عادلانه‌تر برخورد شود و چین از دادن یارانه‌های صنعتی که قدرت رقابتی شرکت‌هایش را بالا می‌برد، خودداری ورزد و ارزش «یوان» پول ملی خود را هم دستکاری نکند.

نباید فراموش کرد اروپا بعد از آمریکا بزرگترین شریک تجاری چین محسوب می‌شود و طرفین با وجود هر اختلافی که داشته باشند، می‌کوشند تا با فائق آمدن بر چالش‌ها، مسیر گسترش همکاری در زمینه تجاری و سرمایه‌گذاری را بازتر کنند و همزمان دولت‌های اروپایی چین را تحت فشار قرار داده اند تا به تعهداتش در چارچوب سازمان تجارت جهانی عمل کند.

در سندی که اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۹ درباره چین منتشر کرد این کشور را «شریک راهبردی» و «رقیب نظام مند» توصیف کرد. این سند نشان می‌داد که اگر اتحادیه اروپا به دنبال روابطی عمیق و رسمی با چین است باید مراقب واقعیت‌های ضد و نقیض در روابط دو طرف باشد. رفتارهای چین در سال ۲۰۲۰ جایگاه این کشور به عنوان رقیب نظام مند را تقویت کرده و در عین حال این باور را نزد اروپایی‌ها تقویت کرده که روابط استراتژیک با این کشور ضروری است.

برای چین هم روابط با اروپا در زمان حاضر اهمیت بالایی دارد؛ پکن علاقه ای ندارد که تیرگی روابطش با اروپا باعث شود کشورهای این قاره در کنار آمریکا قرار گیرند. سفر ماه گذشته «وانگ یی» وزیر امور خارجه چین به برخی کشورهای اروپایی در شرایطی که آمریکا در حال پیشبرد اقداماتی با ذهنیت جنگ سرد علیه پکن است و تلاش می‌کند صدمات بیشتری به وجه بین‌المللی چین وارد کند، با هدف معرفی چین به عنوان کشوری طالب صلح انجام شد. به علاوه نشست «شی جین پینگ» رئیس‌جمهوری خلق چین به صورت ویدیو کنفرانس با رهبران اروپایی و رایزنی‌ها پیرامون مسایل منطقه‌ای، بین‌المللی و مناسبات دوجانبه و چند جانبه نشانگر عزم طرفین برای برقراری مناسبات نزدیکتر به منظور مقابله با تهدیدات آمریکا است.

از اهداف دیگر حضور وانگ یی در کشورهای اروپایی این بود که از آنها بخواهد طعمه ذهنیت و تلاش‌های جنگ سرد آمریکا نشوند و در نظر داشته باشند که پکن به دنبال اعمال دیدگاه‌های استعماری و سلطه‌جویانه نیست و هدفش جز همکاری و مشارکت در عرصه‌های اقتصادی، تجاری و سیاسی موضوع دیگری نیست.

«چویی هونگ جیان» تحلیلگر مسائل اروپا در موسسه مطالعات بین‌المللی چین معتقد است: پکن باید خیلی با درایت و احتیاط با اروپا درباره اختلافات و همکاری‌ها رایزنی کند.

واشنگتن در حالی همکاری چین با کشورهای اروپایی پیرامون مسائلی همچون راه ابریشم نوین، پیشبرد نسل پنجم شبکه اینترنت و البته موضوع پیمان سرمایه‌گذاری متقابل را به نظاره نشسته است که در صورت به نتیجه نشستن این توافق‌ها، تا حدی زیادی تلاش‌های آمریکا در زمینه جنگ سرد خنثی خواهد شد.

در بحبوحه گسترش شدید بیماری همه‌گیر، بحران کرونا در حالی که آتش تنش‌ها میان این دو قدرت برتر جهان را برافروخته تر کرده و به دستاویزی برای ترامپ تبدیل شده تا با بهره‌گیری از تعابیری همچون «ویروس چینی»، با سرپوش گذاشتن بر ضعف‌های بنیادین دولت خود، اتهام‌ها را متوجه چین کرده و وجهه این کشور را در سطح جهانی تخریب کند اما کشورهای اروپایی با وجود انتقادهایی که از چین درخصوص برخورد با شیوع ویروس کرونا داشته‌اند و تاکنون سهل‌انگاری‌هایی را در این زمینه گوشزد کرده‌اند اما طرفین چینی و اروپایی نیز اکنون برای پیشگیری از این بیماری و در زمینه معاملات تجهیزات پزشکی و تجربه‌های درمانی همکاری نزدیکی دارند.

چین بعد از روی کار آمدن دونالد ترامپ، به عنوان رئیس‌جمهوری آمریکا وارد چالش تازه‌ای با این کشور شد که تا پیش از آن تجربه نکرده بود. موضوع رقابت بین آمریکا و چین سال‌هاست مورد توجه کارشناسان قرار گرفته و رشد سریع اقتصادی پکن سال‌هاست زنگ خطر را برای مقامات آمریکایی به صدا درآورده است.

از طرفی از زمان روی کار آمدن ترامپ، اختلاف‌های بسیاری بین آمریکا و اروپا نیز بروز و ظهور پیدا کرده است. از جمله اینکه ترامپ بین اروپا و دیگر کشورهای دنیا در مورد مسائل اقتصادی تفاوتی قائل نشده و مطرح کردن بحث تعرفه‌ها به منظور جذب سرمایه‌ها به داخل آمریکا موجب تیره شدن روابط بروکسل-واشنگتن شده است. حال باید دید تنش فزاینده میان پکن-واشنگتن آیا موجب تغییر در رویکرد کاخ سفید در قبال قاره سبز خواهد بود یا خیر. ضمن آنکه تصمیم اروپا به عنوان مهره سرنوشت‌ساز این بازی چه خواهد بود.